

## تفهیم اتهام در مقررات کیفری ایران

دکتر نادر نوروزی\*

### چکیده

تفهیم اتهام به متهم چیست و شرایط آن کدام است؟ چه ارتباطی با اصل برائت دارد؟ اصلی که اشعار می‌دارد در حقوق کیفری اصل بر این است که همه افراد بی‌گناه هستند مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. تفهیم اتهام، تبیین و تشریح جرم ارتكابی و پیامدهای قانونی آن به متهم است به نحوی که از موقعیت قضایی و حقوقی تکالیف خود به طور کامل مطلع شود. در این زمینه دست‌اندرکاران قضایی و انتظامی در زمینه تفهیم اتهام، وظایفی دارند. همچنین ضابطان دادگستری بدون تعیین تکلیف توسط احکام قضایی بیش از ۲۴ ساعت نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگه دارند. از سوی دیگر، متهمان نیز حقوقی دارند که از جمله آن، سکوت آن‌ها در مقابل سؤالات است. داشتن وکیل نیز از حقوق متهمان است، ملاقات با دوستان و اقوام در هنگام بازداشت موقت و نیز پوشیدن لباس زندانی و سایر مقررات مربوط به زندانیان از حقوق مسلم متهمان است.

### کلید واژه‌ها

متهم (Accused) / متهم کردن (Accuse) / تفهیم اتهام (Communi Cating Acausition) /  
مسئولیت کیفری (Criminal responsibility) / اصل برائت (Innocence Principle) / ضابطان  
دادگستری (Law enforcers).

## مقدمه

متهم کردن و تفهیم اتهام یکی از موضوعات مهم آیین دادرسی کیفری است و رعایت قواعد مربوط به آن نشان‌دهنده میزان اهمیت حقوق و آزادی‌های شهروندی در نظام دادرسی است. در حقوق کیفری اصل بر این است که همه افراد بی‌گناه هستند، مگر اینکه جرم فرد در دادگاه صالح ثابت شود. وارد کردن اتهام به اشخاص، عملی خلاف اصل برائت است؛ بنابراین باید با احتیاط و در نظر گرفتن تمام جنبه‌ها صورت گیرد. آنچه مسلم است وارد کردن اتهام تنها با وجود دلایلی محکم و در مواردی نظیر اقرار متهم، وجود شهود معتبر و ارتکاب جرم مشهود، صحیح به نظر می‌رسد. مقنن نیز برای حفظ حقوق شهروندان متهم کردن افراد را تابع شریط خاصی قرار داده است؛ از جمله اینکه عمل فرد باید در قانون جرم باشد و براساس دلایل و مدارک، قابل انتساب به وی نیز باشد. در روند متهم کردن و تفهیم اتهام، مراجع قضایی به ویژه دادستان، بازپرس و دادیار تحقیق نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. همچنین مسئولان و مأموران انتظامی نیز نقش حساسی در این مرحله از فرایند به عهده دارند. از زمان کشف جرم، دستگاه قضایی موظف می‌شود که برای رسیدگی به جرم و تعقیب متهم پرونده قضایی تشکیل دهد. به رغم اینکه وظیفه تحقیقات مقدماتی اصالتاً بر عهده مقامات قضایی است، عملاً این وظیفه به نمایندگی از قضات تحقیق توسط مأموران انتظامی، ضابطان عام قضایی، انجام می‌شود. بدین‌سان آشنایی با نحوه متهم کردن، تفهیم اتهام و آثار و پیامدهای آن از جمله موارد ضروری است که آگاهی از آن می‌تواند به تشکیل درست و قانونمند پرونده در مراجع انتظامی از جمله آگاهی‌ها، کلانتری‌ها و ادارات مبارزه با مواد مخدر کمک کند. «ماده ۱۹ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ ضابطان دادگستری را مأمورانی دانسته است که مکلفند در خصوص جرایم تفتیش کنند و اقداماتی را برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و جمع‌آوری دلایل و مدارک به عمل آورند. از نظر این قانون ضابطان دادگستری عبارت‌اند از: دادستان، معاونان وی، بازپرس، افسران پلیس و قائم مقام آن‌ها و صاحبان مناسب.» (شاملو احمدی، ۱۳۸۳: ۳۳).

مطابق بند یک ماده ۱۵ ق.آ.د.د.ع.ا.ک نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان ضابط دادگستری معرفی می‌کند. ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم، بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار، مخفی شدن متهم، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند. مضافاً به اینکه به موجب نص صریح ماده ۲۴ ق.آ.د.د.ع.ا.ک: «ضابطان دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می‌رسانند. در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این مورد ضابطان مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرایم به عمل آورند؛ لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگه دارند و چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع

اتهام باید با ذکر دلیل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و حداکثر تا مدت «۲۴» ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری کرده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند ...» ابلاغ و اعلام موضوع و یا موارد اتهام به متهم در جرایم مشهود از وظایف ناجا محسوب می‌شود. بدین ترتیب در این نوشتار سعی شده است تا روند متهم کردن و اصول و ضوابط آن در آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مورد نقد و بررسی قرار گیرد و تکالیف ضابطان قضایی در این خصوص تشریح و تبیین شود و راهکارهایی برای رعایت بیشتر حقوق متهمان پس از تفهیم اتهام نیز ارائه شود.

## الف) مفهوم تعریف اتهام و ارتباط آن با اصول کلی حقوق کیفری

### ۱. تعریف

تفهیم اتهام، تبیین و تشریح جرم ارتكابی و پیامدهای قانونی آن به متهم است. به نحوی که از موقعیت قضایی و حقوقی تکالیف خود به طور کامل مطلع شده و آمادگی دفاع را در مراحل مختلف دادرسی پیدا کند. برخی، تفهیم اتهام را شروع تحقیقات مقدماتی می‌دانند و آن را این‌گونه تعریف می‌کنند: «تفهیم اتهام عبارت است از مطلع شدن متهم از مفهوم اتهام به وسیله ضابط دادگستری قبل از شروع تحقیقات و به منظور اطلاع و اقدام در جهت دفاع از حق قانونی خود. به عبارت دیگر، منظور از تفهیم اتهام آن است که هر متهمی از ماهیت اتهام جزایی خود قبل از شروع تحقیقات مطلع باشد تا بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه کند» (منتصر اسدی، ۵۹-۱۳۵۸: ۱۴).

به موجب اصل ۳۲ ق.ا.ج.ا، تفهیم اتهام در واقع یکی از حقوق متهم است که ضامن عادلانه بودن فرآیند دادرسی است. دادرسی عادلانه وقتی میسر می‌شود که متهم بتواند به درستی و با تمام امکانات از خود دفاع کند و این ممکن نیست مگر آنکه از موضوع یا موضوع‌های اتهام وارده و دلایل آن اطلاع کامل داشته باشد. شروع اقدامات قضایی یا انتظامی علیه متهم بدون اطلاع وی از اتهام وارده، وجاهت قانونی ندارد. در واقع تفهیم اتهام این امکان را برای متهم فراهم می‌کند که از هنگام شروع اقدامات قضایی از وضعیت خود مطلع شود و دفاع لازم را انجام دهد. از نظر تاریخی در ماده ۱ از عنوان ۱۶ فرمان کیفری ۱۶۷۰ فرانسه (لویی شانزدهم)، به لزوم تحقیق ظرف حداکثر ۲۴ ساعت از زمان دستگیری تأکید شده است: «به محض دستگیری و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت باید از متهم تحقیق شود ...» (دادبان، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۵ و ۶۴) در بند دوم از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز آمده است: «هر شخصی که در مظان اتهام قرار گیرد، حق دارد در کوتاه‌ترین مدت و به زبانی که آشناست به تفصیل از ماهیت اتهامی که بر او وارد آمده است آگاه شود. در بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیری از علل آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دایر بر هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود

دریافت دارد.

## ۲. شرایط

متهم دارای حقوقی است و مقامات قضایی در تصمیمات و اقدامات خود در مورد متهم تکالیفی دارند و باید قواعدی را رعایت کنند. این حقوق و تکالیف از موضوعات مهم آیین دادرسی هستند. اطلاع مقامات قضایی و انتظامی از حقوق متهمان و عمل به قانون در رفتار با آنها از جمله موارد مهمی است که موجب اعتبار دادرسی می‌شود. آقای دکتر آشوری از تفهیم اتهام چنین تعریفی به دست داده است: «اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد.» (آشوری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۸۷).

اتهام به معنی تهمت وارد کردن و در حقوق کیفری، نسبت دادن ارتکاب جرمی است به شخصی. از همین عبارت کوتاه معلوم می‌شود که برای متهم کردن فرد سه شرط لازم است:

اولاً؛ عملی که به فرد نسبت داده می‌شود باید جرم باشد؛ یعنی از جمله رفتارهایی باشد که در قوانین کیفری برای آنها مجازات در نظر گرفته شده است؛ بنابراین اگر عملی غیر از جرم به شخصی نسبت داده شود، هرچند از نظر اجتماعی قبیح باشد، اتهام محسوب نخواهد شد. به طور مثال، اگر به کسی نسبت بی ادبی یا بی‌احتیاطی داده شود، یا صفت خسیس بودن به وی نسبت داده شود، این اعمال مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم نیستند و لذا این شخص متهم به ارتکاب جرم نیست.

ثانیاً؛ باید ادله و قرائن مبنی بر ارتکاب جرم توسط فرد وجود داشته باشد تا بتوان وی را متهم کرد.

ثالثاً؛ فرد موضوع انتساب باید قابلیت و توانایی ارتکاب جرم یا به عبارت بهتر مسئولیت کیفری را داشته باشد. با بیان شرط فوق روشن می‌شود که متهم کردن افراد با دو اصل مهم حقوق کیفری یعنی اصل قانون جرایم و مجازات‌ها و اصل برائت و همچنین با قواعد مربوط به مسئولیت کیفری در ارتباط است.

## ۳. ارتباط تفهیم اتهام با اصول کلی حقوق کیفری

### ۳-۱. ارتباط با اصل قانونمندی

مسئله تفهیم اتهام که باید مقدم بر آغاز بازپرسی از متهم و پس از احراز هویت وی صورت پذیرد نیز به نوبه خود و در ارتباط با حق دفاع متهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حقوق آلمان طبق بند ۱ ماده ۱۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر تفهیم اتهام یعنی تفهیم فعل یا ترک فعلی که به مناسبت آن متهم تحت تعقیب قرار گرفته، مواد قانونی مربوط نیز باید به متهم اعلام، و به وی تفهیم شود که می‌تواند (کتباً) به پرسش‌های مطرح شده پاسخ گوید. متهم کردن یعنی نسبت دادن جرم به یک شخص، و جرم علمی است که در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. لذا

متهم کردن تنها در خصوص اعمالی ممکن است که قانون‌گذار به طور روشن آن‌ها را تعریف کرده یا با ذکر مصادیق و مثال‌ها معرفی کرده و برای آن‌ها مجازات در نظر گرفته است. بنابراین به نظر می‌رسد هنگام متهم کردن افراد، ذکر دقیق عنوان مجرمانه، حتی ذکر موادی از قانون که عمل به موجب آن‌ها جرم شناخته شده است، ضروری باشد. به نحوی که متهم به درستی از اتهام و یا اتهامات وارده آگاهی پیدا کند. تبعاً ذکر عناوین مجهول یا مبهم که در قانون مجازات، مشخص نشده است، به نحوی که فرد مورد اتهام از چگونگی موضوع آگاه نشود فاقد وجاهت خواهد بود. همچنین نسبت دادن اعمالی که جرم نیستند موجب شروع فرآیند دادرسی کیفری نخواهد شد. نکته دیگر این است که جرم مورد انتساب باید در زمان تفهیم اتهام جرم محسوب شود و رجوع به قوانین منسوخ و قوانینی که هنوز مراحل ابلاغ و انتشار را طی نکرده‌اند و فرض بر عدم اطلاع عمومی از آن‌هاست، وجاهت ندارد.

### ۲-۳. ارتباط با اصل برائت

برائت در لغت به معنی پاک شدن از عیب، تهمت و تبرئه شدن، خلاص شدن از قرض و دین، رهایی، خلاصی، وارهیدگی، بیزاری، دوری و پاکی آمده است. در حقوق کیفری اصل بر این است که همه افراد بی‌گناه هستند مگر آنکه خلاف آن به اثبات برسد. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که کنوانسیون صیانت از حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی نیز خوانده می‌شود، با اختصاص بند ۲ ماده ۶ به اعلام اصل برائت می‌پردازد: «هر فردی مورد اتهام قرار گیرد بی‌گناه فرض می‌شود مگر اینکه مجرمیت او به طریق قانونی ثابت شود» این اصل در قانون اساسی ایران در قالب اصل ۳۷ ق.ا.ج.ا.۱.۱. مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین وارد کردن اتهام به فرد، عملی خلاف اصل برائت است؛ لذا باید با احتیاط و در نظر گرفتن تمام جوانب صورت گیرد و تا حد امکان دایره متهم کردن افراد محدود شود. متهم کردن اشخاص تنها زمانی موجه است که ادله قانونی و قرائن و امارات به حدی باشد که فراتر از مرحله حدس و گمان بتوان عمل را به فرد منتسب کرد. و با شک و گمان نمی‌توان فردی را متهم کرد و حقوق او را نادیده گرفت یا آزادی او را سلب کرد یا آبروی او را به خطر انداخت. این موضوع نکته مهمی است که مقامات قضایی و انتظامی باید به آن توجه ویژه داشته باشند. ورود اتهام تنها به وجود دلائلی نظیر اقرار خود متهم، شهادت شهود معتبر، ارتکاب جرم مشهود توسط متهم و مواردی از این قبیل صحیح به نظر می‌رسد؛ زیرا مخالفت با اصل برائت محتاج ارائه دلیل است. و بدون دلیل و تنها با ظن و شک و گمان و قرائن بی‌اساس نمی‌توان با اصل برائت مخالفت کرد. اگرچه رسیدگی به ادله، قرائن و امارات در مرحله دادرسی در دادگاه صورت می‌گیرد. اما مقامات دادرسی نیز برای متهم کردن افراد به دلیل احتیاج دارند، صرف اعلام جرم یا شکایت شاکی خصوصی دلیل محسوب نمی‌شود. با توجه به اوضاع و احوال ارتکاب جرم حتماً باید قرائن، امارات یا دلیلی به همراه داشته باشد که جرم را به شخص خاصی نسبت دهد، تا بتوان وی را متهم کرد.

یکی از مهم‌ترین آثار اصل برائت، تعبیر شک به سود متهم است. در حقوق رم، قضات مکلف به صدور حکم بر برائت متهمی می‌شوند که نسبت به بزهکاری او تردید داشتند. بنابراین تردیدی باقی نمی‌ماند که اصل برائت هم ضرورت تأمین حقوق دفاع متهمان و هم آزادی آنان قبل از محاکمه را دربر می‌گیرد (آشوری، ۱۳۷۱).

### ۳-۳. ارتباط با مسئولیت کیفری

فردی که جرم به وی نسبت داده می‌شود، باید موجود و معلوم باشد. نسبت دادن جرم به شخصی که فوت کرده موجب افتتاح پرونده کیفری نخواهد شد؛ زیرا مقصود از اقامه دعوی و دادرسی کیفری، مجازات متهم است و مجازات شخصی که فوت شده، ممکن نیست؛ بنابراین متهم کردن مرده بی‌فایده است و شرط متهم کردن این است که فرد زنده و در قید حیات باشد. موضوع دیگر اینکه متهم باید هویت معلوم داشته باشد؛ زیرا نسبت دادن، محتاج هویت مشخص است و باید معلوم باشد که جرم به چه کسی نسبت داده می‌شود. اگر اسم و مشخصات شناسنامه‌ای متهم مشخص نباشد، ولی لقب و مشخصات وی به گونه‌ای ذکر شود که از نظر مردم شناخته شده باشد و معلوم شود چه کسی مورد خطاب است، به نظر می‌رسد متهم کردن در چنین حالی خالی از اشکال باشد. متهم کردن فرد از میان جمع صحیح به نظر نمی‌رسد. مثلاً نسبت دادن ارتکاب قتل به یکی از اهالی روستای «الف» یا یکی از کارکنان مؤسسه «ب» درست نیست. بلکه فرد مورد اتهام باید به طور روشن معلوم شود. نکته دیگر اینکه در مواردی که فرد مورد انتساب از نظر حقوق کیفری قابلیت مسئولیت کیفری را ندارد متهم کردن او صحیح نیست. مثل متهم کردن مجانین که پس از اثبات جنون آن‌ها صحیح به نظر نمی‌رسد. اگرچه ممکن است فردی را متهم کرد و پس از آن جنون وی مشخص شود، اما جنون در فرد متهم موجب صدور قرار موقوفی تعقیب می‌شود. ماده ۵۱ ق.م.ا. و ماده ۶ ق.آ.د.ع.ا.ک به صراحت این موضوع را اشعار می‌دارند.

اساساً مجنون مسئولیت کیفری ندارد و قابل مجازات نیست. از سوی دیگر وارد کردن اتهام و تفهیم آن، به منظور انجام فرآیند دادرسی و دفاع متهم است. در مورد مجنون دادرسی نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت و مجنون نیز توانایی دفاع ندارد. لذا تفهیم اتهام و متهم کردن مجنون موجه به نظر نمی‌رسد. اصولاً تفهیم اتهام وقتی مؤثر است که فرآیند عادی دادرسی و بررسی ادله و دفاع در دادگاه را در پی داشته باشد. در مورد اطفال نیز ماده ۴۹ ق.م.ا. و تبصره ۱ اطفال را مبرا از مسئولیت کیفری دانسته است؛ بنابراین به نظر می‌رسد که تفهیم اتهام در خصوص اطفال و آثار و پیامدهای آن با افراد بزرگسال متفاوت باشد. به عبارت دیگر، تفهیم اتهام اصولاً به منظور اطلاع فرد از موقعیت قضایی خود به عنوان متهم و آمادگی برای دفاع و پیشگیری از تضییع حقوق خود ضرورت دارد، که این امور در دادرسی عادی اتفاق می‌افتد و در مورد اطفال نیز به دلیل آنکه در صورت تفهیم اتهام به آن‌ها نیز هیچ‌گاه از موقعیت خاص خود مطلع نمی‌شوند و توانایی دفاع از مراجع قضایی را ندارند، قصد مجازات کردن

آن‌ها وجود ندارد. به نظر می‌رسد که توضیح و تفهیم عمل انجام شده به اولیای آن‌ها ضرورت داشته باشد؛ زیرا دادگاه ممکن است، در پایان دادرسی تصمیماتی اتخاذ کند که در سرنوشت فرد مؤثر باشد.

### ب) وظایف دست‌اندرکاران عدالت کیفری در زمینه تفهیم اتهام

دستگاه‌های قضایی و انتظامی تا زمانی که از وقوع جرم اطلاعی پیدا نکرده‌اند تکلیفی در برابر آن ندارند. اما به محض اطلاع مکلف به اقدام می‌شوند. اطلاع از وقوع جرم یا توسط شاکی در قالب شکایت صورت می‌گیرد یا به وسیله اعلام و اخبار جرم توسط مردم انجام می‌شود و یا در جرایم مشهود، جرم در مرئی و منظر مأموران ارتکاب می‌یابد. در تمام موارد مذکور ممکن است جرم به شخص معینی نسبت داده شود؛ یعنی متهم معلوم باشد و یا مرتکب جرم، مشخص نباشد و تعیین هویت وی منوط به تحقیقات شود. در حالت اول، یعنی اگر مرتکب جرم توسط شاکی یا اعلام کننده یا مأموران معرفی شده باشد و دلایلی و قرائن معینی بر ارتکاب جرم متهم وجود داشته باشد دادستان دستور تعقیب متهم را خواهد داد. به عبارت دیگر، دادستان یا معاون ارجاع وی با مطالعه شکایت شاکی یا اعلام جرم و یا گزارش مأموران مبتنی بر وقوع جرم و در خصوص جرم بودن عمل و کفایت دلایل برای متهم کردن فرد مورد ادعا تصمیم می‌گیرد و دستور تعقیب صادر می‌کند. در واقع عمده‌ترین وظیفه قضایی دادستان تعقیب متهم است. از زمانی که دستور تعقیب توسط دادستان صادر می‌شود، تحقیقات مقدماتی که جنبه قضایی دارند آغاز می‌شود. در واقع می‌توان گفت که این دادستان است که در صورت جرم بودن عمل، وجود مرتکب معلوم و ادله قضایی فراتر از شک، فرد مورد ظن را متهم می‌کند و دعوی کیفری از این نقطه شروع می‌شود. در جرایم مشهود نیز تفهیم اتهام مطابق ماده ۲۴ ق.آ.د.ک. د.ع مصوب آبان ماده ۱۳۷۸ بلافاصله پس از دستگیری متهم توسط ضابطان دادگستری صورت می‌گیرد.

در اکثر کشورهای توسعه یافته، پلیس به هنگام دستگیری افراد مظنون باید خیلی با احتیاط عمل کند؛ زیرا بازداشت افراد بدون مدارک مستند و محکمه‌پسند نه تنها موجب اختلال در عملکرد پلیس می‌شود، بلکه امکان دارد که متهم علیه پلیس، اقدامات قضایی در دادگاه به عمل آورد. بر طبق حقوق میرندا متهمان حق دارند که در مقابل پلیس و قضات، وکیل اختیار کنند و منتظر وکیل خود باشند.

بر اساس قوانین تفهیم اتهام، متهم باید از نوع جرمی که مرتکب آن شده است مطلع شود، تا بداند که چگونه از خود دفاع قضایی کند. اساساً در کلانتری‌ها این مهم در حیطه وظایف و اختیارات دایره قاضی آن‌هاست. در مواردی که حکم غیابی صادر می‌شود در صورت واخواهی متهم، قاضی قبل از رسیدگی مجدد ابتدا باید تفهیم اتهام کند. در سایر موارد، تفهیم اتهام توسط بازپرس یا دادیار تحقیق انجام می‌شود و مراتب صورت‌مجلس می‌شود.

## ۱. وظایف پلیس

اصل ۲۳ ق.ا.ج.ا. که ناظر بر اقدامات ضابطان دادگستری است، مقرر می‌دارد که متهم بدون تکلیف توسط مقام قضایی بیش از ۲۴ ساعت نباید در بازداشت بماند. لذا نیروی انتظامی به عنوان ضابط دادگستری باید نسبت به اجرای دقیق مقررات قانونی توجه داشته باشد. با این وجود آمارها و اطلاعات موجود در مراکز کلانتری و دادگستری‌ها نشان می‌دهد که مأموران انتظامی بدون توجه به این موضوع، برخورد و انحراف از اصول مربوط به تفهیم اتهام، افراد را بازداشت می‌کنند، که این موضوع موجب بی‌اعتمادی مردم از یک طرف و محدود کردن وظایف شغلی مأموریت نیروی انتظامی توسط دادگستری می‌شود (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۴). به این جهت ریاست قوه قضائیه در بخشنامه شماره ۴/۱۰/۳۸۰-۱۸۸۲۶/۸۰/۱ خود آورده است: «افسران تشکیل دهنده پرونده، پرونده قضایی مقدماتی را در تابعیت محض و مطلق خود دانسته و بعضاً با برخوردهای نامناسب، نسبت به متهم و قضات امر و نهی می‌کنند که در شأن افسران نیست. از آنجا که به موجب ماده ۱۷ ق.آ.د.ع.ا.ک ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری بر عهده رئیس حوزه قضایی است، لذا لازم است آموزش کافی بنا بر مقررات شغلی و استخدامی، وظایف و مأموریت‌های سازمانی به افسران در جهت رعایت حدود وظایف آنان داده شود.» بنابراین ضمن توجه به وظایف اصلی، مأموران نیروی انتظامی شایسته است که اقدامات خود را در راستای قوانین و مقررات مربوط به ضابطان دادگستری تطبیق دهند.

## ۲. وظایف مقامات قضایی

قضات تحقیق وظیفه دارند بلافاصله پس از تفهیم اتهام ضمن رعایت و گوشزد کردن تمامی حقوق متهم، تکلیف وی را در خصوص نحوه حضور در مراجع قضایی جهت ادامه تحقیقات مقدماتی روشن کنند. معمولاً پس از تفهیم اتهام به متهم توسط مقامات تحقیق برای صدور قرار، وضعیت متهم روشن خواهد شد. نکته مهمی که مقامات قضایی باید به آن توجه کنند تناسب قرار صادره با جرم است. صدور قرار بازداشت یا قرارهای وثیقه با مبالغ بالا در مورد جرایم کم‌اهمیت با قانون منافات دارد. در صورت صدور قرار بازداشت باید توجه داشت، متهم تنها باید در محل مناسبی تحت عنوان بازداشتگاه نگهداری شود و مقررات مربوط به زندانیان و محکومان در مورد وی اجرا نخواهد شد. پس از رسیدگی در دادسرا در صورت عدم احراز وقوع جرم یا نبودن دلائل و مدارک کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر می‌شود. در این صورت از شخص مورد نظر رفع اتهام می‌شود و ذکر کلمه متهم در خصوص وی مصداق نخواهد داشت. همچنین در صورتی که پس از رسیدگی ماهوی در دادگاه، بی‌گناهی شخص ثابت شود و دادگاه حکم تبرئه او را صادر کند، در واقع رفع اتهام از وی صورت گرفته است؛ هرچند حکم برائت در مرحله بدوی باشد. بنابراین رفع اتهام با صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت انجام می‌شود و از زمان تفهیم اتهام تا هنگام



رفع اتهام، شخص، متهم محسوب می‌شود. در مواردی که رسیدگی ماهوی ممکن نباشد یا نتیجه‌ای از رسیدگی حاصل نشود مانند نسخ قانون کیفری در طول رسیدگی به پرونده، جنون متهم و سایر مواردی که در ماده ۶ ق.آ.د.ع.ا.ک ذکر شده، با صدور قرار موقوفی تعقیب، عنوان متهم در خصوص فرد مصداق نخواهد داشت؛ هرچند در این موارد ممکن است دلائل کافی ارتکاب عمل توسط شخص وجود داشته باشند. پس از رفع اتهام از متهم، در صورتی که در بازداشت موقت باشد بلافاصله آزاد خواهد شد و اگر برای الزام متهم به حضور قرار تأمینی نظیر وثیقه، کفالت عدم خروج از حوزه قضایی به قید وجه التزام یا به قید شرف نیز صادر شده باشد ملغی‌الآثر خواهد شد. همچنین کلیه اقدامات و تصمیمات قضایی که در خصوص وی به عنوان متهم صادر شده ملغی خواهند شد. بدیهی است متهم شدن فرد در اسناد و سجل کیفی ثبت نمی‌شود و صرف متهم شدن فاقد هرگونه آثار قضایی خواهد بود.

### ج) پیامدهای تفهیم اتهام

پس از تفهیم اتهام شخصی که قبلاً براساس اصل براءت، بی‌گناه محسوب می‌شده از این پس مخاطب دستگاه قضایی و دادستان قرار می‌گیرد و در واقع فرآیند دادرسی نسبت به وی آغاز می‌شود. نسبت دادن اتهام به فرد، موضوعاتی نظیر ضرورت توجه به حقوق و تکالیف متهم، وظایف مقامات قضایی در برابر متهم، و وظایف نیروی انتظامی در برابر متهم را دربر خواهد داشت. حقوق متهم یکی از اهم مسائلی است که از دیرباز مورد توجه نظام‌های حقوقی جهان بوده است. حتی یکی از مهم‌ترین دلایل تدوین آیین دادرسی را توجه به حقوق متهم می‌دانند. چون بلافاصله پس از تفهیم اتهام، فرد وضعیت جدیدی را از دیدگاه قضایی پیدا می‌کند. بنابراین باید حقوق وی به صورت روشن تعریف شود.

### ۱- حق سکوت

متهم حق دارد به سؤالات مطروحه پاسخ ندهد. هر یک از مأموران دولتی اعم از قضایی و انتظامی که متهم را برای اخذ اقرار یا کسب اطلاعات شکنجه کند به موجب ماده ۵۷۸ ق.م.ا. محکوم خواهد شد. سوگند دادن متهم برای وادار کردن وی به ادای مطالب ممنوع است بلکه با عنایت به عبارت مندرج در ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری به این شرح: «چنانچه متهم از اداء پاسخ امتناع کند (در تحقیقات مقدماتی) امتناع او در صورتجلسه قید می‌شود»، به وضوح این نتیجه حاصل می‌شود که حق سکوت متهم در نظام قضایی به رسمیت شناخته شده و تضمین شده است. ضمانت اجرای این ممنوعیت همان‌گونه که در قسمت آخر اصل ۳۸ ق.ا.ج.ا. آمده است بی‌اعتباری و بی‌ارزشی اقرار اخذ شده ناشی از اکراه و اجبار است (شاملو احمدی، ۱۳۸۳: ۳۴۴).

## ۲- حق داشتن وکیل

برابر اصل ۳۵ ق.ا.ج.ا.ا. «متهم می‌تواند در تمام مراحل تحقیقات مقدماتی در دادسرا و در جلسه دادرسی دادگاه و کیلی به همراه داشته باشد» دخالت وکیل مدافع در دادرسی جنبه تشریفاتی نداشته و به منظور تأمین حق دفاع متهم صورت می‌پذیرد. علاوه بر اینکه متهم خود برای تدارک دفاع از دادگاه استمهال کند (آشوری، ۱۳۷۱). طبق تبصره الحاقی به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کيفری «متهم می‌تواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را به همراه خود داشته باشد وکیل متهم بدون دخالت در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی می‌تواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به بازپرس تذکر دهد. اظهارات وکیل در صورت مجلس منعکس می‌شود» لکن در مرحله تحقیقات مقدماتی وکیل حق مداخله ندارد و فقط اظهارات وی در پایان تحقیقات، صورتجلسه خواهد شد. علت عدم دفاع وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به این دلیل است که این مرحله ترافعی نیست و به صورت یک طرفه و پرسش و پاسخ انجام می‌شود.

## ۳- حقوق متهم تحت بازداشت

متهم حتی اگر تحت نظر باشد یا به موجب قرار بازداشت در بازداشت موقت به سر ببرد حق دارد با اقوام و دوستان خود ملاقات کند یا تماس تلفنی داشته باشد. در مواردی که به موجب اهمیت و ضرورت محرمانه ماندن تحقیقات مقدماتی متهم ممنوع‌الملاقات می‌شود، دستور صریح مقام قضایی با ذکر علت لازم است. همچنین پوشیدن لباس زندانی و رعایت سایر مقررات مربوط به زندانیان در ایام بازداشت موقت برای متهم لازم نیست.

## ۴- عدم وجود آثار قضایی برای متهم به صرف اتهام

باید توجه داشت صرف متهم کردن فرد بدون اثبات جرم در دادگاه فاقد هرگونه آثار قضایی و سجل کيفری برای شخص است. اعمال محدودیت در زمینه اداری، استخدامی، انجام امور اقتصادی و معاملات، شرکت در انتخابات و سایر حقوقی که شهروندان از آن برخوردارند در مورد متهم، فاقد وجاهت قانونی است.

## ۵- امکان طرح دعوی افترا در صورت عدم اثبات اتهام

قانون‌گذار به منظور حفظ حیثیت اشخاص، انتساب عمل مجرمانه به افراد را در صورتی که بدون دلایل کافی و توأم با سوء نیت باشد جرم تلقی کرده است. در این خصوص مواد ۶۹۷ و ۶۹۹ ق.م.ا. در افترا، نسبت دادن جرم را در صورت عدم اثبات حق، مستحق مجازات می‌داند.

## ۶- در تکالیف متهم

از میان متون قانونی استنباط می‌شود که متهم مکلف است در پاسخ به سؤالات از دروغگویی و فریب دادن مقامات قضایی بپرهیزد. همچنین متهم مکلف است در مواعد

و مواقعی که توسط مقامات تحقیق کننده اعلام می‌شود برای پاسخگویی حاضر شود. این موضوع معمولاً با صدور قرارهای تأمین به صورت تعهد قانونی درمی‌آید.

### نتیجه‌گیری

اساساً یکی از مسائل امروزی آیین دادرسی کیفری که تاکنون به آن کمتر توجه شده است، موضوع تفهیم اتهام به متهم از سوی مراجع قضایی و ابلاغ موضوع اتهام به متهم توسط پلیس به عنوان ضابط دادگستری است. پلیس به جهت تعدد و تنوع مأموریت‌های اجتماعی و امنیتی در سطح جامعه و تعاملات گسترده‌ای که با آحاد مردم دارد، نماد امنیت اجتماعی است و عملکرد نیروی انتظامی در رفتار با مردم نقش مهمی در قضاوت افکار عمومی در سطح داخلی و جهانی دارد. در این میان، توجه به حقوق متهمان اهمیت ویژه‌ای دارد.

بنابراین با توجه به برخی کاستی‌ها و عدم توجه برخی کارکنان نیروی انتظامی به نکات قانونی در برخورد با متهمان و گزارش‌هایی که در این خصوص مشاهده می‌شود ضروری است در راستای اجرای قوانین و مقررات مربوط به ضابطان دادگستری در خصوص متهمان اقدامات زیر انجام شود:

- ۱- اصلاح شرح وظایف دواير قضایی کلانتری‌ها، ادارات آگاهی، مواد مخدر و سایر مراجع انتظامی که با متهمان سر و کار دارند و لحاظ کردن ابلاغ و اعلام موضوع یا موضوع‌های اتهام به متهمان (به ویژه در جرایم مشهود) در وظایف مراجع مذکور.
- ۲- توجه ویژه به آموزش آیین دادرسی کیفری در دانشگاه علوم انتظامی و مراکز آموزش خصوصاً توجه به آموزش حقوق متهمان در جرایم مشهود و هنگام دستگیری.
- ۳- نظارت مستمر بر نحوه رفتار مأموران انتظامی با متهمان توسط سازمان‌های نظارتی.
- ۴- بازدید و نظارت فرماندهان از نحوه اقدامات مأموران و چگونگی برخورد آن‌ها با متهمان.
- ۵- بهسازی تعامل با مراجع و مقامات قضایی به نحوی که متضمن حقوق متهمان باشد.
- ۶- آگاه‌سازی مردم و متهمان در خصوص حقوق و تکالیف آن‌ها و تدوین منشور حقوق متهم و نسبت آن در مراجع انتظامی و قضایی.

## منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۷۲). آیین دادرسی کیفری. تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد سوم.
- آشوری، محمد (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات سمت، جلد ۱ و ۲
- آشوری، محمد (۱۳۷۶). «عدالت کیفری». مجموعه مقالات، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۲). آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات گنج دانش، جلد اول و دوم.
- صفار، محمدجواد (۱۳۶۹). حقوق اساسی آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۶). نامه حقوقی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، جلد چهارم.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۹). حقوق جزای عمومی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- کمالان، سیدمهدی (۱۳۸۶). قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری. تهران: انتشارات کمالان.
- لواسو، ژرژ، استفانی، بولوک، برنار (۱۳۷۷). آیین دادرسی کیفری. ترجمه حسن دادبان. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، جلد ۱ و ۲
- دمپسی، تام (۱۳۸۱). مبانی و اصول گشت انتظامی. ترجمه حسن شمس‌نژاد. تهران: انتشارات علوم انتظامی.
- گل‌محمدی، علی (۱۳۸۴). سازمان و وظایف یگان‌های انتظامی. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۴). امنیت عمومی و پلیس. مجموعه مقالات، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- زراعت، عباس (۱۳۸۳). قانون آیین دادرسی در نظام حقوقی کنونی. تهران: انتشارات خط سوم.
- شاملو احمد، محمدحسین (۱۳۸۳). دادرسی و تحقیقات مقدماتی. اصفهان: نشر دادیار، چاپ اول.
- زراعت، عباس (۱۳۸۲). آیین دادرسی. جلد اول، تهران: انتشارات فکرسازان، چاپ اول.
- منتصر اسدی، فاطمه (۱۳۵۸-۵۹). حق دفاع در تحقیقات مقدماتی. رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران.
- نجابتی، مهدی (۱۳۸۱). پلیس علمی. تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- معین، دکتر محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی معین. دوره ۶ جلدی، تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، ج اول، چاپ هشتم.